



مذمت حقوق

دوره ۵ - شماره ۱۰ - بهار ۱۴۰۱

شماره چاپی: ۱۸۴۱ - ۳۷۸۳
شماره الکترونیکی: ۱۹۲۲ - ۳۷۸۳

- مسئولیت مدنی کارشناس رسمی دادگستری در حقوق ایران و فرانسه با تاکید بر رویه قضایی حسن بادیانی، سپیده راضی، محمد مهدی پور
- همدلی‌های سعدی شیرازی با آموزه‌های حقوق عمومی مدرن مجید نجارزاده هنجنی
- حمایت کیفری از حق بر محیط‌زیست شیما نادری، مجید مطلبی
- تبیین نقش جامعه مدنی در تحقق حقوق شهروندی فرزانه دشتی، عبدالکریم شاحیدر
- آثار افزایش سرمایه شرکت‌های سهامی در حقوق ایران و آمریکا افشین مجاهد
- چالش‌های قضایی مقابله با جرایم زیست محیطی در حقوق کیفری ایران اسماعیل کشکولیان، عباس شیخ الاسلامی
- رویکرد حقوق هوایی بین‌المللی نسبت به مسئولیت ناشی از نشر ویروس کرونا در حمل و نقل هوایی یگانه سادات صفوی
- آثار قراردادهای دولتی در حقوق ایران و انگلستان محمدرضا پورپور
- میانجیگری، نظام عدالت مشارکتی، نسل سوم نظام عدالت کیفری و حقوق اطراف دعوا صادق فتیلی، سید محمد صالحی
- ارزش و اعتبار نظریه کارشناسی در حقوق ایران و فرانسه سید جعفر هاشمی باجگانی، میثم سبحانی
- رویکرد سیاستگذاری‌های زیست محیطی در کاهش مخاطرات؛ راهبردها و رهیافت‌ها زهرا طلیعه علیا، داوود خرم دل
- قواعد فقهی کارا در مسئولیت اتلاف عمر اشخاص حمید سلیمانی، رحیمه عباسی بناری
- نقش نهادهای سازمان ملل متحد در پیشگیری از آلودگی‌های محیط زیستی ناشی از پسماندها به منزله امنیت زیست جهانی رستم علی اکبری، سید مهدی موسوی
- مبانی تصحیح قراردادهای غیرمعمود با تمسک به اطلاقات و عمومات شرعی سید علیرضا امین
- فناوری‌های نوین باروری-زیستی و حقوق کودک؛ درآمدی بر آینده کودکی در ایران مریم شعبان
- آسیب شناسی کیفرگذاری موجود در جرایم خانوادگی موضوع کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵؛ از تبیین آسیب‌ها تا ارائه راهکارها مهدی مقفری اناری، محمد امینی زاده، علی عارفی مسکونی
- مجرای اصل صحت در معاملات با تاکید بر امکان جریان آن در شبهات حکمیة مانده چینی ساز، امید محمدی، قاسم شعبانی
- پیرامون نظریه بطلان تحقیقات مقدماتی در فرآیند دادرسی کیفری ایران (با توجه به قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴) مسعود فدائی دهچشمه، امیر سلیمانی، حمیرا طاهری
- تأملی بر قانون حاکم بر تعهدات قراردادی عقد بیمه در ایران و ایالات متحده آمریکا فرزاد گرمی کلمتی، حامد بابانی
- بررسی تأسیس بیلمنت در نظام حقوقی انگلستان، ایالات متحده آمریکا و تطبیق آن با نهاد امانت در حقوق ایران نسترن ارزانیان، مهساسادات نبوی
- معیار تفکیک جرم آدم‌ربایی از جرایم مشابه در نظام کیفری ایران احمدرضا امتحانی، جواد نادری عوج بغزی، علی پاپدارفرد
- درآمدی بر اصول و موانع استرداد مجرمین در حقوق بین الملل رضا علی پناه
- آثار کرونا بر عدالت کیفری اطفال و نوجوانان با نگاهی به حقوق ایالات متحده آمریکا پیمان دولتخواه پاشاکی
- جلوه‌های تغییر در سیاست کیفری افتراقی جرائم نیروهای مسلح ایران و ایالات متحده آمریکا با روش کیفرزدانی و جرم زدایی پاسر شاکری، علیرضا صالحی، غلامحسین رضایی



Value and Validity of Expert Theory in Iranian and French Law

ارزش و اعتبار نظریه کارشناسی در حقوق ایران و فرانسه

Sayed Jafar Hashemi Bajegani

Assistant Professor, Department of Private Law, Islamic Azad University, Meybod Branch, Meybod, Iran

سید جعفر هاشمی باجگانی

استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، میبد، ایران
sjafarhashemi@gmail.com

Maisam Sobhani

PhD Student in Private Law, Islamic Azad University, Meybod Branch, Meybod, Iran (Corresponding Author)

میشم سبحانی

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، میبد، ایران
(نویسنده مسئول)

maisamsobhani2@gmail.com
<https://orcid.org/0000-0002-6319-8291>

Abstract

In the case of litigation, some issues have a special complexity that requires the necessary expertise to identify them, and by applying technical and specialized information, the truth of the issue becomes clear. It is necessary to refer to experts and experts to conduct investigations and discover the truth in traffic and judicial issues and the validity of their reports, so that today, with the advancement of technology and specialization of affairs and techniques, more than one expert opinion in matters. Prerequisite is required and one of the desired emirates that is knowledgeable for a judge is expert theory, and this specialized science can guide the judge in reaching the truth. In litigation, expert opinion has become extremely important, to the extent that few cases can be found that do not require referral to an expert. Therefore, the correct knowledge of the issues related to the validity of the expert opinion has an effective role in the administration of justice. In French law, an expert is ordered only when it is not sufficient to examine the matter in consultation with the judge, and only one person can be appointed as an expert, unless the judge deems it necessary to use several persons to do so. Therefore, considering the specialization of many matters in judicial opinions and the expertise of many issues raised in lawsuits, the position of the expert and expert opinion of each case is very important due to the lack of coverage of the judge issuing the verdict on the chapters of specialized sciences. accordingly, in this article, the value and validity of expert theory in Iranian and French law are comparatively examined.

Keywords: Expertise, Statistics, Testimony, Expertise, Positive Value.

چکیده

در امر دادرسی، برخی موضوعات از پیچیدگی خاصی برخوردار می‌باشند که تشخیص آن‌ها تخصص لازمی را می‌طلبد و با اعمال معلومات فنی و تخصصی، حقیقت موضوع روشن می‌شود. رجوع به کارشناس و خبرگان جهت انجام تحقیقات و کشف واقعیت در موضوعات ترافعی و قضایی و مناط اعتباریودن گزارش آنان از ضروریات می‌باشد، به طوری که امروزه با پیشرفت فناوری و تخصصی شدن امور و فنون، اظهار نظر کارشناسانه و حرفه‌ای در امور، بیش از پیش مورد نیاز بوده و یکی از امارات مورد نظر که برای قاضی علم آور است نظریه کارشناس است و این علم تخصصی می‌تواند قاضی را در وصول به حقیقت رهنمون شود. در رسیدگی‌های قضایی، نظریه کارشناس اهمیت فوق‌العاده‌ای یافته است، تا جایی که کمتر پرونده‌ای می‌توان یافت که در آن نیاز ارجاع به کارشناس نشود. از این رو شناخت صحیح مسائل مربوط به اعتبار نظر کارشناس، در اجرای عدالت نقش مؤثری دارد. در حقوق فرانسه، کارشناسی صرفاً هنگامی دستور داده می‌شود که بررسی موضوعات با ارائه مشورت برای دادرس کافی نباشد و تنها می‌توان یک شخص را به عنوان کارشناس تعیین کرد، مگر اینکه دادرس استفاده از چند شخص را برای این کار لازم بداند؛ بنابراین با توجه به تخصصی شدن بسیاری از امور در آراء قضایی و کارشناسی بودن بسیاری از مسائل مطرحه در دعاوی، جایگاه نظر متخصص و کارشناس هر امری، به دلیل عدم احاطه قاضی صادرکننده رأی بر ابواب علوم تخصصی، اهمیت زیادی دارد. بر این اساس در این مقاله، ارزش و اعتبار نظریه کارشناسی در حقوق ایران و فرانسه به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: کارشناسی، اماره، شهادت، خبره، ارزش ابائی.

Received: 2022/02/03 - Review: 2022/05/08 - Accepted: 2022/06/12

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۲/۰۳ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۰۸ - پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۱۲

ارجاع:

هاشمی باجگانی، سید جعفر؛ سبحانی، میثم؛ (۱۴۰۱)، ارزش و اعتبار نظریه کارشناسی در حقوق ایران و فرانسه، تمدن حقوقی، شماره ۱۰.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

رجوع به کارشناس و جلب نظر وی، نقش ویژه در جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی و از جمله در رسیدگی به دعاوی در دادگستری یافته و هر روز بر اهمیت این نقش افزوده می‌شود. امروزه کمتر پرونده‌ای در دادگستری مطرح می‌شود که به علت ساده‌بودن موضوع آن، ضرورتی به جلب نظر کارشناس نباشد، بلکه در اکثر پرونده‌ها به سبب وجود موضوعات فنی، قاضی ناچار به کسب نظر متخصصان مربوط است. به گونه‌ای که ارجاع به کارشناس یکی از مراحل متداول در پرونده‌ها شده است. از طرفی به علت فنی‌بودن موضوعاتی که به کارشناس ارجاع می‌شود و به خاطر عدم آگاهی و آشنایی با قضای نسبت به آن موضوعات، در عمل قاضی راهی غیر از اعتماد بر نظر کارشناسان ندارد و دادگاه سرانجام حکم خود را بر نظر کارشناس مبتنی می‌سازد تا جایی که این‌گونه تلقی می‌شود که نظر کارشناس تعیین‌کننده حکم پرونده و سرنوشت آن است. به لحاظ اهمیت و نقش اساسی کارشناسی در رسیدگی قضایی توجه به قواعد و مقررات مربوط به کارشناسی برای اجرای صحیح آن لازم و ضروری است، در ارجاع امر به کارشناس و انتخاب و ترتیب اتردادن به نظر کارشناس باید دقت شود که شرایط قانونی رعایت گردد. در غیر این صورت موجب تضییع حقوق مردم می‌شود. کارشناس نیز در اجرای کارشناسی و اعلام نظر باید به نقش حساس نظریه‌ای که اعلام می‌کند توجه کامل داشته باشد و با اجرای صحیح کارشناسی، نظری که مطابق با واقع است را اعلام نماید (موسوی، ۱۳۹۱، ۲).

امروزه سهم کارشناسی در تمییز حق و جریان تحقیق فراتر رفته است و دلایل این اعتبار یافتن کارشناسی را باید دلایلی از قبیل پیشرفت‌های علمی، صنعتی و همچنین دشواری‌ها و پیچیدگی‌های ناشی از زندگی صنعتی دانست. به‌عنوان مثال، امروزه استفاده از علم ژنتیک و انگشت‌نگاری در کشف هویت مجرم و یا استفاده از فناوری‌های الکترونیکی در بررسی پیشینه کیفری و روان‌شناختی متهم مرسوم شده است و مواردی مانند پیچیدگی حسابرسی مالی مؤسسه‌های مالی بزرگ و تعیین میزان خسارت ناشی از برخورد دو هواپیما یا ناو جنگی نیازمند استفاده از تجارب کارشناسان مجرب است (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ۳۱۹). در دعاوی حقوقی و کیفری به کرات شاهد اظهارنظرات کارشناسانه و تخصصی هستیم. تشخیص جنون، میزان جراحت و نوع مرگ یا میزان خسارات وارده بر اموال از جمله مواردی است که توسط کارشناسان و متخصصان تعیین می‌شود زیرا دادرس، عالم به تمامی امور مربوط به دعاوی نبوده و صرفاً متخصص مباحث حقوقی و قضایی است. در فقه امامیه نیز نظر مشهور، کارشناسی را شهادت می‌داند، اما در واقع این مهم از امارات قضایی در حقوق و ظن مطلق در فقه است (ساعی و ثقفی، ۱۳۹۲، ۹۰).

در میان ادله دادرسی آنچه با اظهارنظر کارشناس سازگارتر است، مبحث امارات است. در حقوق فرانسه قرار کارشناسی حاوی مواردی از قبیل: تشریح اوضاع و احوالی که انجام کارشناسی یا در صورت لزوم تعیین چند کارشناس را لازم می‌کند؛ تعیین کارشناس یا کارشناسان؛ اعلام عناوین مأموریت کارشناس و مهلتی که در آن نظریه باید تقدیم شود است. در قرار کارشناسی می‌توان تاریخی را معین نمود که کارشناس و طرفین نزد دادرس صادرکننده یا ناظر جهت تفهیم مأموریت و در صورت امکان برنامه زمانی عملیات حاضر می‌شوند. در جریان این جلسه مدارک مورد نیاز برای اجرای کارشناسی به کارشناس تسلیم می‌شود. در حقوق فرانسه کارشناس می‌تواند از نظر کاردانی دیگر استفاده کند در صورتی که این شخص دارای تخصصی غیر از تخصص او باشد. همچنین وی می‌تواند برای انجام مأموریت خود از کمک هر شخص به انتخاب خود استفاده کند، این شخص تحت نظارت و مسئولیت او خواهد بود. اگر کارشناس با مشکلاتی مواجه شود که مانع انجام مأموریت وی می‌شود یا اگر گسترش حدود مأموریت وی ضروری باشد، موضوع را به دادرس گزارش می‌دهد. دادرس می‌تواند در ضمن تصمیم‌گیری، مهلت ارائه نظریه کارشناسی را افزایش دهد.

نظریه کارشناس در حقوق فرانسه اگر لازم نباشد که به صورت مکتوب ارائه شود، دادرس می‌تواند به کارشناس اجازه دهد تا شفاهاً در جلسه رسیدگی نظریه خود را بیان کند. او مراتب را در صورت مجلس

می‌نویسد. با وجود این نوشتن صورت‌مجلس ممکن است با ذکر در رأی تکمیل شود، در صورتی که در مورد پرونده بلافاصله به‌طور قطعی قضاوت می‌شود. در سایر موارد کارشناس باید به مدیر دفتر مرجع قضایی گزارش بدهد. حتی اگر چند کارشناس باشند تنها باید یک گزارش واحد ارائه نمایند. در صورت اختلاف عقیده، هر کارشناس به عقیده خود اشاره می‌کند. همچنین اگر کارشناس، نظریه کاردان دیگری را در تخصصی غیر از مورد خود دریافت نموده باشد، این نظریه حسب مورد به گزارش، صورت‌مجلس جلسه رسیدگی یا پرونده پیوست می‌شود؛ بنابراین امروزه کمتر پرونده‌ای در دادگستری مطرح می‌شود که به علت ساده‌بودن موضوع آن، قاضی ضرورتی به جلب نظر کارشناس نبیند، بلکه در اکثر پرونده‌ها به سبب وجود موضوعات فنی، قاضی ناچار به کسب نظر متخصصان مربوط است. به گونه‌ای که ارجاع به کارشناس، یکی از مراحل متداول در پرونده‌ها شده است.

۱- تاریخچه کارشناسی

قضات رومی برای تشخیص امور و قضایای مطروحه که جنبه فنی داشت کارشناسی انتخاب می‌کردند که نسبت به آن اظهارنظر نماید و این عمل یکی از وسایل اثبات دعوا به شمار می‌رفت و علاوه بر ارزیابان که به این امر اشتغال داشتند، افرادی را نیز که دارای حرفه مخصوصی بودند و در آن تجارب و شهرت زیادی کسب کرده بودند جهت رسیدگی و تشخیص اختلاف انتخاب می‌کردند (سرشار، ۱۳۳۲، ۱۱). مطالعه سیر تحول دادرسی در ادوار تاریخ حاکمیت، نشان‌دهنده این موضوع است که از گذشته بسیار دور، فرمانروایان مردم به منظور حل و فصل دعاوی و اختلافات خویش از افراد خبره (کارشناس) و آگاه در زمینه‌های خاص اعم از کیفری و حقوقی بهره می‌جستند. امروزه در قوانین بسیاری از کشورها، رجوع به خبره و استمداد از نظر آن‌ها برای حل و فصل بسیاری از امور الزامی شده است. امروز اهمیت کارشناسی و آگاهی از عقیده خبره به حدی است که نیاز به تذکر و تکرار نیست. همین بس که تنوع و کثرت امور در مراجع کارشناسی نظیر پزشکی قانونی، اداره تشخیص هویت، کانون کارشناسان رسمی به میزانی است که با وجود کارشناسان مجرب به تعداد لازم، گاهی پاسخ‌گویی در اسرع وقت نیست.

به موجب ماده ۸۷ قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب ۱۲۹۰، محکمکه صلح می‌توانست به نظر خود یا درخواست اصحاب دعوا یا یکی از آن‌ها اطلاعات «اهل خبره» را بخواهد. در این صورت به موجب ماده ۸۸ همان قانون، اصحاب دعوا به تراضی یک یا سه نفر اهل خبره انتخاب می‌نمودند و در صورت عدم تراضی، محکمکه صلح خود عده لازم را تعیین می‌نمود که اصحاب دعوا می‌توانستند با توجه

به موازین مربوط به رد یا جرح شهود، آنان را رد یا جرح نمایند (شمس، ۱۳۸۳، ۲۷۰). پس از آن در قانونی دیگر تحت عنوان قوانین موقتی اصول محاکمات جزایی (آیین دادرسی کیفری) مصوب ۱۲۹۱، مراجعه به اهل خبره، مدنظر قانون‌گذار قرار گرفت. از آن تاریخ به بعد به ترتیب در قوانین مصوبه مملکتی نظیر، قانون اصلاح قسمتی از قانون اصول تشکیلات عدلیه و استخدام قضات مصوب ۱۳۱۵ راجع به بهره‌گیری از توان اهل خبره بحث به میان آمد. در ماده ۴ قانون فوق، در ساختار تشکیلاتی عدلیه آن زمان در واری فنی قسمتی تحت عنوان «تنظیم امور مترجمان و سایر اهل خبره و مصدقان پیش‌بینی شده بود». اما در عمل تا سال ۱۳۱۶ هیچ‌گونه مقرراتی در خصوص ایجاد نظم و شرایط اشتغال به شغل کارشناسی وجود نداشت و قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر رسمی در ۱۳۱۶ به تصویب رسید. در اجرای آن قانون، طبقه‌ای به نام مترجمان رسمی شناسایی شدند. سپس قانون راجع به کارشناسان رسمی در ۱۳۱۷ تصویب گردید.

از آن پس مقرراتی به تصویب رسیده است که اهم آن عبارتند از: آیین‌نامه قانون کارشناسی رسمی مصوب ۱۳۱۸، قانون راجع به اصلاح قانون کارشناسان رسمی وزارت دادگستری» مصوب ۱۳۳۹، آیین‌نامه مواد الحاقی به آیین‌نامه کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۴۱، لایحه قانونی مرتبط با استقلال کانون کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۵۸، آیین‌نامه رسیدگی به تخلفات کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۶۰ و اصلاحیه بعدی آن مصوب ۱۳۶۳، قانون بازسازی کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۶۵، قانون تمدید مدت‌های مذکور در مواد ۱۰ و ۱۴ قانون بازسازی کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۶۵، تعرفه کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۶۲، مصوبه مربوط به تعرفه دستمزد کارشناسی موضوع ماده ۱۹ لایحه قانونی استقلال کانون کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۵۸، اصلاحیه و متمم تعرفه دستمزد کارشناسان رسمی دادگستری، مصوب ۱۳۷۲، مصوبه مربوط به تعرفه دستمزد کارشناسان رسمی موضوع ماده ۱۹ لایحه قانون استقلال کانون کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۷۹، قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۱ و تعرفه دستمزد کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۴

۲- مفهوم کارشناسی

کارشناسی در لغت به معنای معرفت امور، شناسایی کار و خیرگی است (معین، ۱۳۷۵، ۲۸۰۹). از نظر حقوقی قانون‌گذار چه پیش و چه بعد از انقلاب اسلامی تعریفی از کارشناسی به عمل نیاورده، ولی حقوق‌دانان و دکتربین تعاریف مختلفی ارائه داده‌اند. برخی گفته‌اند کارشناسی در اصطلاح حقوقی، عملی است تحقیقاتی

که اشخاص صلاحیت‌دار به نام کارشناس را مأمور می‌نمایند تا امر مورد اختلاف را که رسیدگی به آن نیاز به اطلاعات فنی خاصی دارد، مورد بررسی قرار دهند و نظر خود را به دادگاه اعلام نمایند (صدرزاده‌افشار، ۱۳۷۵، ۱۶۳). در تعریف کارشناسی گفته شده تحقیقی است که دادگاه، به منظور تمییز حق یا تمهید مقامات آن، به عهده شخص صلاحیت‌داری به نام کارشناس می‌نهد و از او می‌خواهد که اطلاعات فنی و حرفه‌ای را که در دسترس دادگاه نیست در اختیار دادرس قرار دهد یا اعتقاد و استنباط خود را از قرائن فنی و علمی بیان کند (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ۳۱۷). در تعریفی دیگر آمده کارشناسی رجوع به اهل فن برای انجام تحقیق و اظهارنظر فنی و علمی نسبت به موضوع متنازع فیہ میان اصحاب دعوا و ارائه اقدام تحقیقی و علمی برای یاری نمودن دادگاه در کشف حقیقت و صدور حکم شایسته است (عطالو بیله‌سوار، ۱۳۸۲، ۵۲). به بیان دیگر کارشناسی عبارت است از اقدامی تحقیقی - علمی که براساس پیشینه‌های تجربی و اطلاعات علمی، عملی و به‌طور موردی صورت می‌پذیرد (حیاتی، ۱۳۹۲، ۴۳۸). تعریف مشابه دیگر نیز وجود دارد که بیان می‌کند کارشناسی در اصطلاح حقوقی عملی است تحقیقاتی که اشخاص صلاحیت‌دار به نام کارشناس را مأمور کنند تا امر مورد اختلاف را که رسیدگی به آن‌ها نیاز به اطلاعات فنی خاص دارد، مورد بررسی قرار دهند و نظر خود را به دادگاه اعلام کنند (حیدری و رزمجو، ۱۳۹۳، ۱۶۸).

اما در تعریف دیگر بدون تصریح به تحقیقی بودن امر کارشناسی اظهار شده است، هرچند از نظر حقوقی قانون‌گذار تعریفی از کارشناسی ارائه نداده است، اما کارشناسی عبارت است از تشخیص و تبیین امری که مراجع قضایی، صلاحیت و توانایی اظهارنظر نسبت به آن را ندارند. بر این مبنا کارشناس شخصی است حقیقی که در رشته خاصی تخصص و تجربه داشته و خدمات او در این رشته قابل استفاده باشد. آثار و علائم هیچ‌گاه اطلاعات نادرست نمی‌دهند، اما برای شناخت توضیح و تشریح هر یک باید به کارشناسی رجوع شود تا امکان استنتاج و استفاده از قرائن و نشانه‌ها میسر شود، زیرا فرض بر این است که کارشناس، زبان صامت اشیاء و علائم را متوجه می‌شود و با کمک ابزار و وسایل علمی، حقیقت امر را به دادگاه اعلام می‌دارد (نیازخانی و همکاران، ۱۳۹۰، ۶۴). در مجموع با عنایت به اوصاف یاد شده می‌توان گفت که کارشناسی نه به معنا و مفهوم آیین است و نه شهادت شهود، بلکه موضوع آن عبارت است از تشخیص و تبیین امری که مراجع قضایی صلاحیت و توانایی اظهارنظر و اعلام نسبت به آن را ندارند. در حقوق فرانسه، کارشناسی عملی است که کارشناسان با آزمایش و معاینه و تحقیق‌های فنی انجام داده و نتیجه آن را به‌عنوان اظهارنظر کارشناسی به دادگاه و یا سایر مقامات قضایی ارائه می‌نمایند.

۳- ارزش و اعتبار نظریه کارشناسی در حقوق ایران

تشخیص موضوع از وظایف دادگاه است و در برخی موارد که این تشخیص فنی و تخصصی است، قانون به اجبار یا حسب وجود ضرورت مقرر داشته است که مرحله تشخیص موضوع به طور کلی یا جزئی به کارشناس ارجاع شود، مهم ترین مرحله دادرسی تشخیص صحیح موضوع است و این امر اهمیت کارشناسی را مضاعف می کند (حسینی خواه و اورنگیان، ۱۳۹۲، ۱۹۳). چون پس از احراز جنبه های فنی و علمی هر قضیه، تطبیق مصادیق با قوانین و اصول موضوعه دادرسی انجام می شود. نظر کارشناس عبارت است از نظری که وی بعد از بررسی جهات فنی و تخصصی موجود در مسئله مورد استعلام صادر می کند و به موجب آن، تحلیل و توضیح خود را درباره آنچه که دادرس در قرار کارشناسی مورد پرسش قرار داده است، ارائه می دهد.

رأی کارشناس برای برخورداری از اعتبار و امعان نظر دادرس باید واجد شرایطی باشد که مهم ترین آن ها ضرورت موجه، مستدل، صریح و روشن بودن نظریه کارشناسی و عدم مغایرت آن با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی است. در این صورت است که دادگاه از نظر کارشناس متابعت نموده و مبادرت به صدور رأی براساس آن خواهد کرد. نظریه کارشناس نوعی اظهار نظر فنی و تخصصی در زمینه امور موضوعی مؤثر در حل و فصل دعوا است که بنا بر ارجاع از سوی دادگاه و پس از بررسی موضوع توسط کارشناس واجد شرایط، ابراز می شود (حیدری و رزمجو، ۱۳۹۳، ۱۶۸).

تمام اختلاف ها قابلیت ارجاع و حل و فصل شدن را از طریق کارشناسی ندارند و این روش برای حل اختلاف هایی مناسب است که به جای رسیدگی قضایی، نیازمند استفاده از تخصص و دانش کارشناسی باشند (درویشی هویدا، ۱۳۸۹، ۱۹۱) به عبارت دیگر تنها باید موضوعاتی به کارشناسی ارجاع داده شود که از حیثه دانش تخصصی قضایی خارج است و رجوع به کارشناسی یک تشخیص موضوعی و بسته به نظر دادگاه بوده و این امر در جلوگیری از اطاله دادرسی نیز مؤثر است (نیازخانی و همکاران، ۱۳۹۰، ۷۶)؛ بنابراین هرگاه دادگاه عمومی تشخیص دهد که موضوع دارای جنبه فنی و تخصصی است و باید به کارشناس ارجاع شود، این امر را در صورت جلسه دادگاه منعکس کرده و قرار صادر می نماید.

تصمیم دادگاه برای ارجاع امر به کارشناس در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ با عناوین قرار ارجاع امر به کارشناس (ماده ۲۵۷)، قرار کارشناسی (مواد ۲۵۹، ۲۶۰^۳ و ۲۶۸) و قرار رجوع به کارشناس (ماده ۲۶۸) آمده است، این قرار می‌تواند به درخواست هریک از اصحاب دعوا یا به خواست خود دادگاه صادر شود، اما دادگاه در برابر درخواست کارشناسی، در صورتی که کارشناسی را لازم نداند، تکلیفی به پذیرش آن ندارد (شمس، ۱۳۹۴، ج ۳، ۳۱۲). ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ به دادگاه اجازه داده است که در موارد لازم به کارشناس رجوع نماید. ترتیب انتخاب و دستمزد و ترتیب اظهار نظر کارشناس و ترتیب اعتراض به آن و همچنین درجه و شرایط تبعیت دادگاه از نظر کارشناسی و سایر جزئیات این وسیله اثبات دعوا در مواد بعدی پیش‌بینی شده است.

نظریه کارشناسی یک اظهار نظر تخصصی است که در بردارنده مرحله‌ای از روند دادرسی است. لذا این اظهار نظر مانند رأی دادگاه به موجب قانون باید دارای شرایط و ضوابط شکلی و ماهوی باشد، در غیر این صورت قابل اعتراض و حسب مورد آثار خاص خود را دارا خواهد بود (صفری‌ریزی، ۱۳۸۹، ۲۳). بر این

۱- ماده ۲۵۷: دادگاه می‌تواند راساً یا به درخواست هریک از اصحاب دعوا قرار ارجاع امر به کارشناس را صادر نماید. در قرار دادگاه، موضوعی که نظر کارشناس نسبت به آن لازم است و نیز مدتی که کارشناس باید اظهار عقیده کند، تعیین می‌شود.

۲- ماده ۲۵۹: ایداع دستمزد کارشناس به عهده متقاضی است و هرگاه ظرف مدت یک هفته از تاریخ ابلاغ آن را پرداخت نکند، کارشناسی از عداد دلایل وی خارج می‌شود. هرگاه قرار کارشناسی به نظر دادگاه باشد و دادگاه نیز نتواند بدون انجام کارشناسی انشاء رأی نماید، پرداخت دستمزد کارشناسی در مرحله بدوی به عهده خواهان و در مرحله تجدیدنظر به عهده تجدیدنظر خواه است، در صورتی که در مرحله بدوی دادگاه نتواند بدون نظر کارشناس حتی با سوگند نیز حکم صادر نماید، درخواست ابطال می‌شود و اگر در مرحله تجدیدنظر باشد تجدیدنظر خواهی متوقف ولی مانع اجرای حکم بدوی نخواهد بود.

۳- ماده ۲۶۰: پس از صدور قرار کارشناسی و انتخاب کارشناس و ایداع دستمزد، دادگاه به کارشناس اخطار می‌کند که ظرف مهلت تعیین شده در قرار کارشناسی، نظر خود را تقدیم نماید. وصول نظر کارشناس به طرفین ابلاغ خواهد شد، طرفین می‌توانند ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ به دفتر دادگاه مراجعه کنند و با ملاحظه نظر کارشناس چنانچه مطلبی دارند نغیا یا اثباتاً به طور کتبی اظهار نمایند. پس از انقضای مدت یاد شده، دادگاه پرونده را ملاحظه و در صورت آماده بودن، مبادرت به انشای رأی می‌نماید.

۴- ماده ۲۶۸: طرفین دعوا در هر مورد که قرار رجوع به کارشناس صادر می‌شود، می‌توانند قبل از اقدام کارشناس یا کارشناسان منتخب، کارشناس یا کارشناسان دیگری را با تراضی، انتخاب و به دادگاه معرفی نمایند. در این صورت کارشناس مرضی‌الطرفین به جای کارشناس منتخب دادگاه برای اجرای قرار کارشناسی اقدام خواهد کرد. کارشناسی که به تراضی انتخاب می‌شود ممکن است غیر از کارشناس رسمی باشد.

اساس، کارشناس باید به موجب قانون مبانی و منابع اظهار نظر خود را اعلام نماید، در غیر این صورت نظریه کارشناسی ناقص و آثار خاص آن را دارا خواهد بود. دادگاه باید موضوع را به کارشناسان رسمی دادگستری ارجاع دهد، مگر اینکه در خصوص موضوع مربوطه، کارشناسان رسمی وجود نداشته باشند که در این صورت، دادگاه ناچار موضوع را با قید سوگند به افراد خبره و کارشناسان غیررسمی ارجاع خواهد داد و یا اینکه اصحاب دعوی با تراضی کارشناس منتخب خود را در مهلت مقرر به دادگاه معرفی می‌نمایند.

نظریه کارشناسی باید در موعد قانونی تا پیش از انتخاب و اخطار به کارشناس دیگر به دادگاه تقدیم گردد، در غیر این صورت علاوه بر مسئولیت انتظامی و مدنی، نظریه کارشناسی نیز فاقد اعتبار است. نظریه اکثریتی که از حیث تخصص مساوی هستند معتبر است. در غیر این صورت، نظریه کارشناسی فاقد اعتبار و موضوع باید به کارشناسان دیگر ارجاع شود. کارشناس در موارد رد دادرسی باید با ذکر جهت از کارشناسی امتناع نماید و طرفین دعوی نیز می‌توانند با ذکر جهت او را رد نمایند. کارشناس باید صلاحیت تخصصی در خصوص موضوع ارجاعی داشته باشد و گرنه نظریه‌ای که ارائه می‌گردد، فاقد اعتبار است.

موضوعاتی که به موجب قانون، دادگاه ملزم به ارجاع آن به کارشناس است از قبیل تقویم خواسته در موارد اختلافی، تعیین سرقفلی و تعدیل اجاره‌بها و غیره که تشخیص دادگاه در این خصوص فاقد اعتبار است. موضوعات تخصصی که طبیعتاً از تخصص دادگاه خارج است که پاره‌ای از موارد آن در ماده «۲۲۶»^۵ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ ذکر شده است. در این قبیل موارد دادگاه باید موضوع را به کارشناسی ارجاع نماید. موضوعاتی که در تخصص و عادی بودن آن‌ها تردید وجود دارد. به عبارتی ممکن است تشخیص موضوع حسب مورد برای دادگاه پیچیده و تخصصی و یا غیرتخصصی و بدون پیچیدگی باشد. به‌عنوان مثال تصرف عدوانی، رفع مزاحمت، ممانعت از حق و غیره موضوعاتی که عرفاً و عادتاً برای دادگاه قابل تشخیص است و ارجاع امر به کارشناس در این قبیل موضوعات ضرورتی ندارد. به‌طور کلی، نظریه کارشناسی باید صریح و عاری از هرگونه ابهام و تردید باشد، زمانی که این نظریه صریح و موجه است، در این صورت دادگاه مطابق ماده «۲۶۵»^۶ قانون آیین دادرسی مدنی ملزم به توجه نمودن به آن است.

۵- ماده ۲۲۶: دادگاه موظف است در صورت ضرورت، دقت در سند، تطبیق خط، امضاء، اثر انگشت یا مهر سند را به کارشناس رسمی یا اداره تشخیص هویت و پلیس بین‌الملل که مورد وثوق دادگاه باشند، ارجاع نماید. اداره تشخیص هویت و پلیس بین‌الملل، هنگام اعلام نظر به دادگاه ارجاع‌کننده، باید هویت و مشخصات کسی را که در اعلام نظر دخالت مستقیم داشته است معرفی نماید. شخص یاد شده از جهت مسئولیت و نیز موارد رد، در حکم کارشناس رسمی است.

۶- ماده ۲۶۵: در صورتی که نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابقت نداشته باشد، دادگاه به آن ترتیب اثر نخواهد داد.

زمانی که نظریه کارشناسی دارای ابهاماتی می‌باشد، در این قبیل موارد دادگاه باید با اخذ توضیح از کارشناس رفع ابهام نماید، نه اینکه با اعتراض اصحاب دعوی موضوع را به کارشناسان دیگر ارجاع دهد. اگر نظریه کارشناسی ناقص باشد در این قبیل موارد دادگاه پس از اخذ توضیح از کارشناس، در صورتی که رفع نقص نگردد، با صدور قرار تکمیل نظریه کارشناسی موضوع را به همان کارشناس و یا کارشناس دیگر ارجاع می‌دهد. چنانچه نظریه کارشناسی برای دادگاه مورد تردید و مشکوک و یا در عقاید کارشناسان اختلاف نظر وجود داشته باشد که در این قبیل موارد دادگاه رأساً و یا به درخواست اصحاب دعوی می‌تواند موضوع را به کارشناسان دیگری ارجاع دهد و یا نظریه کارشناسی را نزد متخصص علم یا فن مربوطه ارسال و عقیده آنان را در این خصوص استعلام کند. این نظریه مفاداً باید منجز باشد در غیر این صورت فاقد اعتبار است.

اظهار نظر کارشناسی باید با توجه به اوضاع و احوال و دلایل و قوانین پرونده انجام گیرد، در غیر این صورت فاقد اعتبار است. البته مطابقت نظریه کارشناس با اوضاع و احوال مسلم قضیه به معنی مطابقت با مفاد دلایل اصحاب دعوا از قبیل شهادت، اقرار و دیگر دلایل نیست، بلکه نظریه کارشناسی، ارزش تشخیص دارد و به این اعتبار، دارای ارزش هم شأن اظهار نظر قضایی و موضوعی غیر از ادله و یا وسایل اثبات دعوی و یا اماره خواهد بود. برای مثال، در اختلافاتی که در حدود مالکیت املاک به وجود می‌آید ممکن است اصحاب دعوی به زیان خود نیز اقرار کنند و یا شهودی را برای اثبات دعوی خود ارائه دهند. ولی آنچه اهمیت دارد تشخیص حدود املاک موضوع دعوی است که باید مطابق موازین مربوطه توسط کارشناس انجام گرفته باشد. نظریه کارشناسی باید با توجه به دستورات و اشارات دادگاه انجام گرفته باشد، هر چند دستورات و نکات مورد اشاره دادگاه از نظر کارشناسی فاقد اهمیت باشد. در غیر این صورت دادگاه حسب مورد، قرار تکمیل نظریه کارشناسی و یا ارجاع امر به گروه دیگری از کارشناسان را صادر خواهد کرد. نظریه کارشناسی نباید متضمن اظهار نظر حقوقی باشد، در غیر این صورت از این حیث نمی‌تواند مورد استناد دادگاه قرار گیرد. دادگاه باید با استدلال خود موضوع را با قانون تطبیق دهد نه اینکه به اظهار نظر حقوقی کارشناسی اکتفاء نموده و با لحاظ آن مبادرت به صدور رأی کند (صفری ریزی، ۱۳۸۹، ۳۰).

در حقوق ایران، مهم‌ترین شرایط لازم برای کارشناس، داشتن تخصص و مهارت و مورد اعتماد بودن است. ولی در کنار آن شرایط دیگری نیز از قبیل تعدد کارشناسان، رسمی بودن و ادای سوگند مطرح

است. همچنین به نظر می‌رسد که نمی‌توان ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ را قاعده عام مربوط به اعتبار نظر کارشناس در حقوق ایران دانست، بلکه این ماده در مقام بیان یکی از شرایط اعتبار نظر کارشناس یعنی مخالفت نداشتن آن با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی است (موسوی، ۱۳۹۱، ۴۰). در تعیین میزان اعتبار نظر کارشناس لازم است که شرایط دیگر از قبیل صریح و موجه بودن (ماده ۲۶۲)، مطابق بودن با موضوع کارشناسی (ماده ۲۵۷)، کتبی بودن و رعایت مهلت (ماده ۲۶۲) در آن رعایت شود و قاضی با بررسی نظر کارشناس از جهت وجود شرایط در صورت احراز موجود بودن شرایط به آن ترتیب اثر می‌دهد.

دیوان عالی کشور نیز بر اختیار قاضی و ارزیابی نظر کارشناس، نظارت داشته و در موارد متعددی نظر کارشناس را به علت مبهم یا ناقص یا مخدوش یا مشکوک بودن، بی‌اعتبار شناخته و حکم صادر شده براساس آن را نقض کرده است. از سوی دیگر چون مرجع تشخیص امور فنی، اهل خبره و کارشناسان هستند و عقلاء از قدیم‌الایام بر نظر اهل خبره در امور مربوط به حرفه و تخصص شان، اعتماد می‌کرده‌اند بر قاضی لازم است در صورت بی‌اعتبار دانستن نظر کارشناس و عدم ترتیب اثر بر آن، ایراد و دلایل خود در این زمینه را بیان کند. علاوه بر این، در صورت ناقص بودن نظر کارشناس یا عدم رعایت حدود و خارج بودن آن از موضوع ارجاع شده، قاضی نمی‌تواند به آن ترتیب اثر دهد.

۴- ارزش و اعتبار نظریه کارشناسی در حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه کارشناس به‌عنوان متخصص امر، جایگاه مشورتی در نظر قاضی داشته و به معنای واقعی آن در امور تخصصی و فنی مشاور دادگاه برای اتخاذ تصمیم قضایی است و مانند هر مشاور دیگر، نظرش برای دادگاه لازم‌الاتباع قطعی نیست. یافته‌های کارشناس و نظریه او که کم از قواعد و قوانین حاکم بر دعاوی ندارند، ضوابط خواصی هستند که توسط عده‌ای خبره و کارشناس به کار گرفته می‌شود و در اختیار قاضی قرار می‌گیرد که در مواد (۲۶۳ الی ۱-۲۸۴) قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه آمده است. ماده ۲۶۳ قانون فوق‌الذکر مقرر می‌دارد: «کارشناسی صرفاً هنگامی دستور داده می‌شود که بررسی موضوعات با ارائه مشورت برای دادرس کافی نباشد.» (محسنی، ۱۳۹۵، ج ۱، ۱۴۹).

هنگامی که قاضی تصمیم می‌گیرد تا با استفاده از متخصص دعوی مطروحه را فیصله داده و تعیین تکلیف نماید، ضروری است که به وضوح باید شخص یا اشخاص کارشناس مدنظر برای این منظور را تعیین نماید. استفاده از متخصص مستلزم تحمل هزینه‌هایی است و میل به این سمت وجود دارد که تا حد

امکان از کمترین تعداد کارشناس استفاده شود، لذا اندازه‌گیری هزینه‌های متحمل شده باعث شده است که نویسندگان قانون جدید آیین دادرسی مدنی فرانسه این اصل را ایجاد کنند که تنها یک فرد جهت کارشناسی تعیین شود (ماده ۲۶۴ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه). بی‌شک در صورتی که قاضی تشخیص دهد برای دعوایی بیش از یک متخصص نیاز است، می‌تواند از این اصل تخطی نموده و تعداد کارشناسان را به بیش از یک نفر افزایش دهد. باین حال، در چنین مواردی، قاضی باید در تصمیمی که جهت ارجاع دعوا به کارشناسی می‌دهد، شرایط و ظهور نیاز به تعیین کارشناس‌های مختلف را بیان کند (ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه).

آنچه کارشناسان باید در مورد آن به جهت تخصصی‌بودن آن موضوع اعلام نظر نمایند، حتماً در دستور دادگاه به کارشناسان مشخص می‌شود و البته کارشناسان در طول انجام دستور با دادگاه در ارتباط می‌باشند. کارشناس به‌عنوان مشاوره و متخصص، قصد دارد تا قاضی را به این توانایی برساند که از مشاوره (کارشناسی) به‌عنوان یک تکنسین مطلع، به کار گرفته شود. پس مشاوره (کارشناسی) در جایی مطرح می‌شود که مسئله فنی است و انگیزه استفاده از متخصص ایجاد شده و نیازمند به تحقیقات پیچیده است. طبق ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه، قرار کارشناسی باید حاوی این موارد باشد: تشریح اوضاع و احوالی که انجام کارشناسی یا در صورت لزوم تعیین چند کارشناس را لازم می‌کند؛ تعیین کارشناس یا کارشناسان؛ اعلام عناوین مأموریت کارشناس؛ مهلتی که در آن نظریه باید تقدیم شود. در صورتی که تعداد کارشناسان بیش از یک نفر بوده و در واقع تیم کارشناسی تشکیل شده بود باید مسئول این تیم کارشناسی را نیز در حکم مربوطه تعیین کرد. در کارشناسی نیز، آن جا که برای دریافت و شناخت اوضاع و احوال قضیه مورد استفاده واقع می‌شود، دادرس خود رأساً می‌تواند به کارشناس رجوع کند و در هر حال، اعم از اینکه رأساً یا در اثر تقاضای اصحاب دعوی قضیه را به کارشناس رجوع دهد، ملزم به متابعت از آن عقیده نیست و می‌تواند قضیه را به کارشناس دیگر ارجاع نماید یا به دلایل دیگر رسیدگی و به مقتضای آن‌ها حکم صادر کند (صفری‌ریزی، ۱۳۸۹، ۱۱۲).

در برخی موارد، ممکن است که حکم ارجاع دعوا به کارشناس تمام جزئیات مرتبط با موضوع و هدف آن را دربر نداشته باشد و کارشناس باید در این شرایط به اعلام نظر خود بپردازد. واقعیت این است که قاضی همیشه در اوایل، شواهد کافی را برای گرفتن تصمیم در خصوص مسائل پیچیده موضوع در اختیار ندارد. پیچیدگی خاص برخی از دعاوی ممکن است باعث شود راجع به آن‌ها هیچ نظری نداشته و

بعد از دریافت نظر کارشناس و صحبت با طرفین دعوا اعلام نظر کند. ماده ۲۶۶ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه مقرر می‌دارد: «در قرار کارشناسی همچنین می‌توان تاریخی را معین کرد که کارشناس و طرفین نزد دادرس صادرکننده یا ناظر جهت تفهیم مأموریت و در صورت امکان برنامه زمانی عملیات حاضر شوند.» در جریان این جلسه، مدارک مورد نیاز برای اجرای کارشناسی به کارشناس تسلیم می‌شود. از زمان اعلام تصمیم انتصاب کارشناس، منشی دادگاه باید برای او یک کپی از قرار ارجاع به کارشناس توسط دادگاه را به صورت نامه ابلاغ نماید. کارشناس سپس باید بدون تأخیر به قاضی اعلام کند که برای پذیرش یا رد این حکم و مأموریت چه تصمیمی می‌گیرد. کارشناس در این رابطه در رسیدن به تصمیم خود، می‌تواند پرونده‌ها و اسناد ارائه‌شده از سوی طرفین دعوا، میزان تخصص مورد نیاز و غیره را در نظر بگیرد که به‌طور معمول پرونده دعوا در دفتر دادگاه جایی که آن‌ها به‌طور موقت بایگانی می‌شوند مشاهده و تدقیق می‌شود. ماده ۲۶۷ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه مقرر می‌دارد: «به محض صدور قرار تعیین کارشناس، مدیر دفتر مرجع قضایی به هر وسیله نسخه‌ای از آن را به وی ابلاغ می‌کند. کارشناس فوراً قبولی خود را به دادرس اعلام می‌کند؛ او باید عملیات کارشناسی را به محض اطلاع از پرداخت علی‌الحساب، حق‌الزحمه کارشناسی توسط طرفین نسبت به سهم خود یا پرداخت مبلغ نخستین قسط علی‌الحساب، انجام دهد، مگر در موردی که دادرس انجام فوری این عملیات را از وی خواسته باشد.»

پس از پذیرش قرار توسط کارشناس تعیین شده، سوابق و اسناد مربوط به پرونده توسط او برداشت می‌شود و یا توسط منشی دادگاه برای او فرستاده می‌شود. ماده ۲۶۸ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه مقرر می‌دارد: «مجموعه‌ای از اسناد طرفین یا مدارک لازم برای کارشناسی موقتاً در دفتر مرجع قضایی با حفظ این حق نگهداری می‌شوند که طرفینی که آن‌ها را تقدیم نموده‌اند بتوانند برخی از آن‌ها را پس گرفته یا برای خود نسخه‌ای تهیه کنند. کارشناس نیز می‌تواند پیش از قبول مأموریت خود آن‌ها را ملاحظه کند. کارشناس به محض قبول می‌تواند مجموعه‌ای از اسناد یا مدارک طرفین را گرفته یا برای او توسط مدیر دفتر مرجع قضایی با تسلیم رسید یا امضاء در پرونده ارسال شود.» (محسنی، ۱۳۹۵، ج ۱، ۱۵۰).

مواد ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱ و ۲۸۰ از قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه، شامل مقررات و روش‌هایی است که برای الزام به پرداخت مزد و اجرت کارشناس در نظر گرفته شده است. قاضی در تصمیم در خصوص چگونگی تعیین مزد کارشناس، باید علاوه بر پیش‌بینی میزان دستمزد نهائی، مقدار هزینه‌های جاری و غیره را نیز پیش‌بینی نماید. تصمیم سفارش به پرداخت مبلغ اضافی به کارشناس به احتمال زیاد رخ می‌دهد و

این در موردی است که کارشناس تعیینی تشخیص می‌دهد که کمک هزینه اختصاص یافته کافی نیست. طبق ماده ۲۷۱ قانون آیین دادرسی فرانسه در صورت عدم تودیع مبلغ در زمان و طی شرایط معین شده، کارشناسی منتفی می‌شود مگر اینکه دادرس به درخواست یکی از طرفینی که جهت موجهی را بیان می‌کنند مهلت بیشتری بدهد یا از منتفی شدن کارشناسی عدول کند. رسیدگی با عطف توجه به کلیه پیامدهای ناشی از این امتناع یا نکول در پرداخت ادامه می‌یابد.

طبق ماده ۲۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه، کارشناس باید دادرس را در جریان پیشرفت عملیات و مراقبت‌های خود قرار دهد. همچنین طبق ماده ۲۷۴ قانون فوق‌الذکر هنگامی که دادرس در عملیات کارشناسی حضور می‌یابد، می‌تواند ملاحظات خود و توضیحات کارشناس و اطلاعات طرفین و ثالث را در صورت مجلس بنویسد، دادرس صورت مجلس را امضاء می‌کند. طبق ماده ۲۷۵ قانون فوق‌الذکر طرفین باید فوراً تمام مدارکی را که کارشناس برای انجام مأموریت خود ضروری تشخیص می‌دهد در اختیار وی قرار دهند. در صورت کوتاهی طرفین، کارشناس موضوع را به اطلاع دادرس می‌رساند تا اگر بخواهد دستور افشای این مدارک را در صورت لزوم با تعیین جریمه تأخیر بدهد یا حتی در صورت اقتضاء به وی اجازه دهد موضوع را رها نموده یا گزارش خود را در همان وضعیت موجود بدهد. مرجع قضایی صادرکننده رأی می‌تواند به تمام نتایج حقوقی عدم ارائه مدارک به کارشناس توجه نماید.

قاضی به نظریه کارشناس به هیچ عنوان محدود نخواهد شد و می‌توان خلاف آن نیز، بنا به نظر خویش و آنچه که مثلاً در حقوق ایران، اوضاع و احوال مسلم گفته می‌شود، از نظر کارشناس عدول نماید. در واقع نظر کارشناس، در حقوق فرانسه، یک نظر مشورتی برای قاضی است و از این جهت کلیه مطالب طرح شده در حقوق ایران، در حقوق فرانسه نیز ساری و جاری است. به نظر می‌رسد که کارشناس نماینده دادگاه در تحقیقی است که به او واگذار شده و صلاحیت خود را از این منبع می‌گیرد. پس در اجرای این وظیفه باید او را مأمور رسمی شمرد و بدین نتیجه رسید که آنچه اعلام می‌کند چهره رسمی دارد تا ادعای مخالف اثبات شود. با وجود این، اعتبار رسمی را باید ویژه موردی شمرد که کارشناس به شکل قانونی انتخاب شده باشد و در حدود صلاحیت و وظیفه‌ای که دارد به اظهار نظر پرداخته باشد (صفری ریزی، ۱۳۸۹، ۱۱۶).

نتیجه

امروزه با توجه به تخصصی شدن علوم و مبانی، اهمیت نهاد کارشناسی بیش از پیش احساس می‌شود؛ مضاف بر اینکه میزان اختیار قاضی در رد یا قبول نظر کارشناس به لحاظ تأثیر آن بر سرنوشت دعاوی، بسیار حائز اهمیت

است. کارشناسی یکی از مهم‌ترین دلایل اثبات دعاوی است که در غالب پرونده‌ها مورد استناد قرار می‌گیرد و کمتر پرونده‌ای را می‌توان یافت که در آن موضوعات تخصصی که نیاز به بررسی فنی توسط کارشناس دارد مطرح نباشد. نظر کارشناس، دیدگاه یک شخص متخصص و حرفه‌ای است که دادرس از آن به‌عنوان ابزاری مفید در جهت حل و فصل دعاوی حقوقی و کیفری بهره می‌گیرد و همچون راه و طریقی است که قاضی را در کشف حقیقت یاری می‌کند، مانند همان اوضاع و احوالی که اماره قضایی برای قاضی ایجاد می‌کند. همچنین راهی است متعارف برای حصول علم قاضی که از ادله اثبات برخی جرایم است.

جایگاه کارشناسی در امور فنی و تخصصی است که عموماً دادرس در آن خصوص تخصص لازم را ندارد و کارشناسی زمانی می‌تواند نفعاً یا اثباتاً مستند رأی دادگاه قرار گیرد که تمام شرایط شکلی و ماهوی انتخاب و تعیین موضوع مورد ارجاع به آن، توسط دادگاه تعیین و ضوابط مربوط به نظریه کارشناسی توسط خود کارشناس رعایت شده باشد. ارجاع به کارشناس و صدور قرار کارشناسی به اقدامی متداول در رسیدگی به دعاوی تبدیل شده و بسیاری از آرای محاکم مبتنی بر نظر کارشناسان و مستند به آن است.

در حقوق ایران، نظریه کارشناسی زمانی می‌تواند مستند رأی قرار گیرد که برای دادگاه محرز شود که نظر کارشناس با اوضاع و احوال مسلم شامل دلایل و قرائن دیگر در تعارض نباشد. به عبارت دیگر در حقوق ایران، نظر کارشناس یک نظر ماهیتاً مشورتی برای دادگاه است. اهمیت ویژه کارشناسی در دیدگاه دعاوی طلب می‌کند که این دلیل، احکام، آثار و رابطه آن با سایر ادله اثبات مورد توجه قرار گیرد و با تبیین هرچه بیشتر موقعیت و اعتبار آن، از برخی اشتباهات قضایی در این رابطه جلوگیری شود. در حقوق فرانسه، کارشناسی صرفاً هنگامی دستور داده می‌شود که بررسی موضوعات با ارائه مشورت برای دادرس کافی نباشد و استفاده از کارشناس در خصوص مسائلی است که نیاز به تخصص داشته و قاضی به‌تنهایی نمی‌تواند در خصوص آن‌ها اقدام به صدور رأی نماید، لذا از مشاور و کارشناس متخصص درخواست می‌کند که در این زمینه به دادگاه کمک نماید. در این کشور نظریه کارشناسی صرفاً ماهیت مشورتی برای دادرس داشته و دادگاه برخی مواقع می‌تواند این نظریه را در حد یک اماره ضعیف مطرح سازد و آن را ارزش‌گذاری قضایی کند.

تعارض منافع

تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

منابع

- حسینی خواه، نورالله و اورنگیان، غلامعلی، ۱۳۹۲، ارزیابی اعتبار نظریه کارشناس در محاکم کیفری، **فصلنامه کارآگاه**، شماره ۲۴.
- حیاتی، علی عباس، ۱۳۹۲، **آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی کنونی**، تهران، انتشارات میزان.
- حیدری، سیروس و رزمجو، محمدحسین، ۱۳۹۳، اعتراض به نظر کارشناس، **فصلنامه حقوق اسلامی**، شماره ۴۳.
- درویشی هویدا، یوسف، ۱۳۸۹، استفاده مستقیم از کارشناسی در حل و فصل اختلاف، **فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی**، شماره ۴.
- ساعی، سیدمحمدهادی و ثقفی، مریم، ۱۳۹۲، بررسی اعتبار نظریه کارشناس از منظر فقه و حقوق، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۸۳.
- سرشار، محمود، ۱۳۳۲، کارشناسی و کارشناس، وظایف اخلاقی کارشناسان، **مجله کانون وکلا**، شماره ۳۲.
- شمس، عبدالله، ۱۳۸۳، **آیین دادرسی مدنی**، جلد اول، چاپ ششم، تهران، انتشارات دراک.
- شمس، عبدالله، ۱۳۹۴، **آیین دادرسی مدنی**، دوره پیشرفته، جلد سوم، چاپ بیست و هشتم، تهران، انتشارات دراک.
- صدرزاده افشار، سیدمحسن، ۱۳۷۵، **ادله اثبات دعوا در حقوق ایران**، چاپ اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- صفری ریزی، حامد، ۱۳۸۹، **اعتبار نظریه کارشناسی در آیین دادرسی مدنی ایران و فقه امامیه و حقوق فرانسه**، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه امام صادق (ع).
- عطالو بیله سوار، صدیار، ۱۳۸۲، کارشناسی، **ماهنامه دادرسی**، شماره ۴۱.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۲، کارشناسی؛ علم و تجربه در خدمت عدالت، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، شماره ۶۲.
- محسنی، حسن، ۱۳۹۵، **آیین دادرسی مدنی فرانسه**، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- معین، محمد، ۱۳۷۵، **فرهنگ فارسی**، جلد سوم، چاپ نهم، تهران، انتشارات امیرکبیر.

- موسوی، سیدمهرزاد، ۱۳۹۱، **اعتبار نظریه کارشناسی در حقوق موضوعه ایران**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

- نیازخانی، مرتضی؛ نوکنده‌ای، عزیز؛ مقیمی، مهدی، ۱۳۹۰، ارزش اثباتی کارشناسی در دعاوی کیفری با نگاهی به حقوق فرانسه، **فصلنامه کارآگاه**، شماره ۱۷.

قوانین

- قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب ۱۲۹۰

- قوانین موقتی اصول محاکمات جزایی (آیین دادرسی کیفری) مصوب ۱۲۹۱

- قانون اصلاح قسمتی از قانون اصول تشکیلات عدلیه و استخدام قضات مصوب ۱۳۱۵

- قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر رسمی در ۱۳۱۶

- قانون راجع به کارشناسان رسمی ۱۳۱۷

- قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹

- قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه

Legal Civilization

No.10-Spring 2022

- Civil liability of the Official expert of the Judiciary in Iranian and French Law with Emphasis on Judicial Procedure - **Hasan Badini, Sepideh Razi, Mohamad Mehdi-pour**
- Saadi Shirazi's Compatibilities with the Teachings of Modern Public Law **Majid Najjarzadeh Hanjani**
- Criminal Protection of the Right to the Environment **SHima Naderi, Majid Motallebi**
- The Role of Civic Society in Citizenship Rights' Establishment **Farzaneh Dashti, Abdolkarim SHAheydar**
- The Effects of Increasing the Capital of Joint Stock Companies in Iranian and American Law **Afshin Mojahed**
- Judicial Challenges in Combating Environmental Crimes in Iranian Criminal Law **Esmaeil Kashkoulia, Abass Sheikh-holeslami**
- International Aviation Law Approach to Liability for Corona Virus Transmission in Aviation **Yeganeh Sadat Safavi**
- Effects of Government Contracts on Iranian and British Law **Mohammad Reza Burbur**
- Mediation, Participatory Justice System, third Generation Criminal Justice System and Litigation Rights - **Sadeh Fetili, Sayyed Mohammad Salehi**
- Value and Validity of Expert Theory in Iranian and French Law **Sayyed Jafar Hashemi Bajegani, Maisam Sobhani**
- Environmental Policy Approach in Reducing Risks; Strategies and Approaches **Zahra Tallieolia, Davud Khorramdel**
- Efficient Jurisprudential Rules in the Responsibility of Wasting People's Time **Hamid Soleymani, Rahime Abbasi - Bonari**
- the Role of UN Agencies in Preventing Environmental Pollution from Waste as Global Biosecurity **Rostam Ali Akbari, - Sayyed Mehdi Mousavi**
- Fundamentals of Correcting Non-Common Contracts in the Era of Legislation by Relying on Religious Rerms and Generalities **Sayyed Alireza Amin**
- New Reproductive-Biological Technologies and Child Rights: An Introduction to the Future of Childhood in Iran - **Maryam SHA'ban**
- Pathology of Determining the Punishment in Family Crimes in Fifth Book of the Islamic Penal Code (Tazirat) Approved in 1996; From Explaining the Damage to Providing Solutions **Mahdi Mozafari Anari, Mohammad Amini Zadeh, Ali Arefi Maskoni**
- The Principle of Correctness in Transactions with Emphasis on the Possibility of its Flow in Legal Doubts **Maedeh - Chini Saz, Omid Mohammadi, Ghasem Shaabani**
- About the Theory of Invalidity of Preliminary Investigations in the Iranian Criminal Proceedings (According to the Code of Criminal Procedure Approved in 2014) **Masoud Fadaei Dehcheshmeh, Amir Soleimani, Homeira Taheri**
- A Reflection on the Law Governing the Contractual Obligations of the Insurance Contract in Iranian and American Law - **Farzad Karami kolmoti, Hamed Babaei**
- Investigating the Establishment of Bailment in the British and American Legal Systems and its Application to the Trust - Institution in Iranian Law **Nastaran Arzainan, Mahsasadat Nabavi**
- Criteria for Separating the Crime of Kidnapping from Similar Crimes in the Iranian Penal System **Ahmadreza - Emtehani, Javad Naderi ooj Boghzi, Ali Paidarfard**
- An Introduction to the Principles and Obstacles of Extradition in International Law **Reza Alipanah**
- Corona Virus Effects on Juvenile Delinquency with Respect to USA Law **Peyman Dolatkah Pashaki**
- Manifestations of Change in the Differential Criminal Policy of the Crimes of the Armed Forces of Iran and the United - States of America by the Method of Impunity and Decriminalization **Yasser SHakeri, Alireza Salehi, GHolam Hosein Rezaei**